



## تعلیم و تربیت و فرهنگ از هم جدا نیستند

رئیس فرهنگستان علوم در نشست فرهنگ و تعلیم و تربیت با بیان اینکه هر کس متفکر است می تواند ذره ذره بر فرهنگ اثر بگذارد، گفت: فرهنگ و تعلیم و تربیت دو چیز جدا از هم نیستند و این عقل و فهم ماست که آنها را جدا می کند.

رئیس فرهنگستان علوم در نشست فرهنگ و تعلیم و تربیت با بیان اینکه هر کس متفکر است می تواند ذره ذره بر فرهنگ اثر بگذارد، گفت: فرهنگ و تعلیم و تربیت دو چیز جدا از هم نیستند و این عقل و فهم ماست که آنها را جدا می کند.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، عصر امروز 8 آذرماه در نشست فرهنگ و تعلیم و تربیت که به همت گروه برنامه درسی و فرهنگ انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و همکاری گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس در سالن علامه جعفری دانشکده علوم انسانی این دانشگاه برگزار شد، به ارائه سخن پرداخت.

وی در ابتدای سخنانش گفت: اگر فلسفه را یونانی بدانیم، هدف فیلسوفان یونانی تعلیم و تربیت بوده است، چون از ابتدا تعلیم و تربیت از فلسفه مطرح شده و مسائلی حل شده است. اساسا فلسفه چیزی را حل نمی کند. سالها قبل مقاله ای در پاسخ به این پرسش که چرا فیلسوفان منفور هستند؟ نوشتم که خیلی خواننده داشت. در این مقاله هم این موضوع را تصدیق و هم تکذیب کردم.

### سوفسطائیان بنیانگذاران ادب بودند

داوری با بیان اینکه اگر فکر نمی کنید که می خواهم ادب را تحقیر کنم، باید بگویم که بنیانگذاران آن، سوفسطائیان بودند، افزود: سفسطه در لفظ ما بد معنی شده است. دو گونه سوفسطایی داریم؛ یک سوفسطایی که بعد از افلاطون و نوشته شدن کتاب مغالطه ارسطو به وجود آمدند. آنهایی که در زمان یونانی سوفوس خوانده می شدند، بد نام نبودند. مرحوم صدیقی استاد ما می گفت مزدگیری سوفسطایی را زشت کرده است، او هم به تبع افلاطون و ارسطو این گونه می گفت، چون علم کالایی فروختنی نبود.

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به اینکه فرهنگ و آموزش و پرورش چیزی نیست که از هم جدا باشند و یا در زمانی به هم پیوسته باشند، اظهار داشت: اینها از اول با هم بودند، اگر هم یک زمانی از هم جدا شدند یا در انتزاع و یا در فهم انتزاعی ما از هم جدا شدند و گرنه از ابتدا با هم بودند. وقتی وحدت روح مدینه خلل برداشت، این خلأ باید ترمیم شود. سوفسطائیان مردم را تربیت می کردند تا عضو خوب شهر خود باشند. وقتی راجع به سیاست و اخلاق فکر می کنیم باید توجه داشت که سیاست و اخلاق در یونان غیر از امروز است. سیاست شغل نبود، سیاست کار همه مردم آتن بود. مردم آتن در خانه کار اخلاقی انجام می دادند. سیاست چیزی نبود که کسی از آن خوشش بیاید و یا کسی از آن اعراض کند، البته افرادی بودند که از ریاست خوششان می آمد.

داوری با اشاره به اینکه سقراط در همه کارهای مدینه شرکت می کرد، تصریح کرد: جنگ ایران و یونان باعث تغییر وضع و ایجاد وضع نو در یونان شد. فیلسوفان یونانی هر چه گفتند به تعلیم و تربیت مربوط می شود. #171جمهور و افلاطون یک کتاب درباره تعلیم و تربیت است. فلسفه دستور عمل به ما نمی دهد. فیلسوف تنها می تواند مسائل را مطرح کند. زمان را نشان دهد که چه هست البته می تواند در انداختن طرح آینده است. آنچه افلاطون در جمهوری و نوامیس گفته است اصلا امکان طرح اش در یونان نبوده، او برای آینده گفته است. به قول هگل گفته تا تمدن یونان را پایان دهد، او گفته تا در عصر رنسانس - بازگشت به یونان و طرح جدید آغاز شود.

رئیس فرهنگستان علوم در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه در زمان یونانیان تعلیم و تربیت از فرهنگ جدا شد، گفت: نه به این معنا که در واقع جدا شود، کسانی بودند که فرهنگ را تعلیم می کردند، در حالی که حتی پرتوگوراس تردید داشت که آیا ریاضیات باید درس داده شود یا نباید درس داده شود. او فرهنگ را تعلیم می کند، البته آنچه که او فرهنگ می داند ممکن است شما در آن چون چرا کنید.

### تعلیم و تربیت دو چیز جدا از هم نیستند

وی با بیان اینکه هنوز هم جامعه و خانه می آموزد، هم بد می آموزد و هم خوب می آموزد، بیان کرد: جامعه ای که خرد ندارد خوب نمی آموزد. مردمی که خرد ندارند خوب نمی آموزند. مدرسه هم همین طور است. اگر فرهنگ نباشد جوهر مدرسه کارساز نیست.

مدرسه بد می شود تدبیر چاره کار است. ما توانایی اصلاح آموزش را نداریم، بلکه باید فرهنگ آن تغییر کند. خداوند وقتی به قومی غضب می کند عقل را از او می گیرد و او را عاجز می کند. اگر از خرد بهره نداشتیم، هیچ چیزی را نمی توانیم اختیار کنیم.

داوری در ادامه سخنانش با تأکید بر اینکه عقلها در تاریخ و فهم ها در تاریخ متفاوت است، تصریح کرد: عقلی در قرن هجدهم به وجود آمد که اصلاً سابقه تاریخی نداشته است، البته ممکن است آثار و نطفه اش بوده باشد. در قرن نوزدهم عقلی شناخته می شود که عقل سازنده است. صورت بخش جهان است، یعنی من جهان و آدمیان را می سازم. انسان دیگری دیده می شود و براساس آن تعلیم و تربیت عوض می شود. فرد ایده آلی مد نظر شماست و می گوئید می خواهید مثل او را بسازید. وقتی تصویر این انسان تغییر کرد، تعلیم و تربیت عوض می شود. موضوع و متعلق آن هم عوض می شود.

وی با بیان اینکه این فرهنگ آمریکایی بود که روش را برگزید، گفت: فرهنگ آمریکایی ناچار شد وفاداریش را به روش حفظ کند. برای تعلیم و تربیت آمریکایی، روش تعلیم و تربیت مهم است. ایده آلهای تربیت علم جدید در غرب مدیران جنگ، مدیران، سیاستمداران و ... بود.

این محقق و استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه علم جدید ما مهندس تربیت می کند، گفت: این فرهنگ است که این را مشخص می کند. 100 نفر اول کنکور ما، دانشگاه های صنعتی را انتخاب می کنند. کدامیک از دانشجویان رشته تاریخ، انتخاب اول و یا دوم و سومشان این رشته بود. فرهنگ هم مانند هوا شرط زندگی، تعلیم و تربیت و وجود مدرسه است. فرهنگ علت قوام علم و عمل است. می توان برنامه آموزشی را عوض کرد، اما ابتدا باید فرهنگ آنرا عوض کرد. فرهنگ جان است، فرهنگ عقل است. فرهنگ است که به ما می گوید تربیت چیست؟ هر فرهنگی که در وجود ما محقق شده باشد تعلیم و تربیت ما آن گونه خواهد شد.

فرهنگ را نمی توان ایجاد کرد

داوری با بیان اینکه فرهنگ را نمی توان ایجاد کرد، اما می توان رسوم و عادات و ... را ایجاد کرد، افزود: فرهنگ را حتی نمی توان با تدبیر تغییر داد، هیچ کس قادر به انجام این کار نیست. هر کس متفکر است می تواند ذره ذره بر فرهنگ اثر بگذارد. فرهنگ و تعلیم و تربیت دو چیز جدا از هم نیستند. در واقع نمی توان اینها را از هم جدا کرد. عقل و فهم ما این را انتزاع می کند. یک بار آنرا عقل و بار دیگر آنرا تعلیم و تربیت انتزاع می کنیم. برای این انتزاع تقدم زمانی برای هیچ کدام نمی توان قائل شد. از نظر ذاتی فرهنگ مقدم است، اما بلافاصله تعلیم و تربیت ظاهر می شود.